

مناسبات افغانستان - پاکستان در ژئوپولیتیک ۲۰۱۵

تاریخچه روابط و مناسبات میان افغانستان و پاکستان از همان نخستین روزهای تأسیس کشوری بنام پاکستان که از پیکر هند بریتانوی وضمیمه سرزمین پشتونستان، عرض وجود نمود، مملو از کش و گپیرو ضد و نقیص گویی های طرفین بوده و همیشه تشنج بر آن سایه افکنده است، در منطق ژئوپولیتیک، روابط کشورهایی که مرز زمینی دارند برخلاف کشورهای دارای مرز آبی، بطور سنتی برپایه جنگ بوده است تا تجارت، بمنظور وضاحت بیشتر در مورد وضعیت و دورنمای انکشاف مناسبات افغانستان- پاکستان عوامل متعددی را باید در نظر داشت، از جمله:

اولاً؛ با خروج بخشی از نیروهای محاروبی قوای ائتلاف که پس از موجودیت ۱۳ساله شان در سرزمین افغانستان، مطابق فیصله قبلی طی ماه دسامبر سال ۲۰۱۴ آغاز گردید، «مشکل افغانستان» بمتابسه مسأله داغ و قابل بحث از دستور کار ایالات متحده/ناتو حذف گردید. بعبارت دیگر مسأله یادشده از موضوع حاد بین المللی به رده مسائل منطقی تنزیل داده شد. از ماه جنوری سال روان، ایالات متحده کارزار «حمایت قاطع» را براه انداخت. مطابق ستراتیژی جدید اوباما، افغانستان بمتابسه کشور مستقل و با ثباتی محسوب میگردد که قادر به دفاع مستقلانه از خویش، بدون وابستگی به قوای نظامی امریکا/ناتو، میباشد.

ثانیاً؛ میتوان بمتابسه نتیجه چنین اظهار داشت که ژئوپولیتیک بصورت تدریجی جاگزین ژئوایکونومیک منطقه بی میگردد. از نقطه نظر سنتی در اینمورد باید اظهار داشت که مذاکرات و گفتگوهای کابل و اسلام آباد شامل عرصه های تجاری- اقتصادی، سرحدی، مسأله مهاجران افغانستان در سرزمین پاکستان، مسأله ماجراجویان پاکستانی و افغان، موضوعات و مسائل مربوط به فرهنگ و آموزش و پرورش، طرح فراملی هیدروکاربن و طرحهای مربوط به انرژی و غیره میگردد. اما هر دو جانب به مسائل امنیتی میان دو کشور ارجحیت قائل میگرددند.

بتاریخ اول جنوری سال ۲۰۱۵ وزارت امور خارجه پاکستان از تقلیل بیسابقه نیروهای نظامی ایساف در افغانستان و در عین زمان از انتقال مسوولیتهای امنیتی به نیروهای مسلح افغانستان استقبال نمود.

بارویکار آمدن اشرف غنی بمتابسه رئیس جمهور افغانستان، کابل بمنظور بهبودی مناسبات میان دو کشور، اقداماتی را رویدست گرفت. نامبرده بارتباط نا آرمیها در کشور به پاکستان و درگام نخست به جنرالهای

آن کشور بمثابه عامل موثر در ارائه کمک به از میان برداشتن جنگجویان محلی خارجی در مناطق سرحدی کشور و حاضر نمودن اعضای «جنبش طالبان» پای میز مذاکرات صلح خواهانه با دولت افغانستان، مراجعه نمود. در اوضاع و احوال کنونی این سوال مطرح می‌گردد که آیا طالبان اقداماتی را جهت تصاحب قدرت از نوع سالهای ۹۰ سده ۲۰ و ایجاد «امارت اسلامی افغانستان» براه خواهند انداخت؟

پاکستان این موضوع را درک نموده که در افغانستان، پشتیبانی از رئیس جمهور غنی جزئی و اندک می‌باشد. نامبرده به گروه‌بندی‌های سیاسی و مراکز قدرتی اتکا نموده است که بصورت کامل و تمام عیاری با سیاست‌هایش موافق نمی‌باشند. رئیس جمهور اشرف غنی، همچنان قادر بدان نیست تا به نیروهای ملی امنیتی نیز اتکا نماید. ذکر این مسأله قابل تأمل است که با وجود ارائه کمکها و مساعدتهای خارجی به افغانستان، هنوز هم قوای مسلح افغانستان از کمبود وسایط حربی و تجهیزات شکایت دارند. از معاونتهای تخنیکی در حفظ و نگهداری سلاح و مهماتی که به قیمت گزافی به اردوی ملی تحویل داده شده، استفاده بهینه صورت نمی‌گیرد.

شرایط داخلی کشور در اثر فعال گردیدن مجدد طالبان در افغانستان، بیش از هر زمان دیگر متشنج گردیده است. موجودیت حالات مشخصی مزید بر علت چنین وضعیت گردید. تشکیل حکومت وحدت ملی آنهم پس از مدت طولانی و موجودیت خلای قدرت مرکزی در تابستان ۲۰۱۴ و مجموعه ای از عوامل و فاکتها منجر بدان گردید تا طالبان بصورت تدریجی مناطق تحت نفوذ شانرا الی مناطق اطراف کابل وسعت بخشند. در ماه دسامبر سال ۲۰۱۴ مخالفان مسلح نه تنها قسمتهای جنوب شرق کشور، بلکه بخشهایی از جنوب غرب کشور را نیز تحت اداره خود قرار داده بودند.

خارجیهایی در ترکیب «جنبش اسلامی ازبکستان»، گروههای دهشت افکن افغان و پاکستانی، تعداد بیشمار عملیات و انتقالات فرامرزی و تداخل در سرزمین افغانستان را انجام میدادند، در همین حال، اغلباً آنهاييکه از پاکستان به افغانستان فرار نموده اند، با اتهام های اضافی تروریستی و ایجاد ماجراها در پاکستان مواجه می‌باشند. این فرارها در نتیجه انجام عملیات نظامی اردوی پاکستان در مناطق وزیرستان شمالی، خیبر، وزیرستان جنوبی و مهمند (همسرحد با افغانستان) که در ماه جون سال ۲۰۱۴ صورت گرفت، آغاز گردید. مخالفان مسلح بصورت یک کل، به توان کلی خویش افزایش بعمل آورده و مواضع خویشرا در بخشهایی از زندگی اجتماعی کشور تحکیم بخشیدند؛ در نتیجه بتعداد حملات تروریستی افزایش بعمل آمد.

حملات سنتی بهار و تابستان سال ۲۰۱۵ جنگجویان در کابل را اسلام آباد نه تنها بمفهوم مبارزه علیه مقامات رسمی، بلکه بمثابه خطر و تهدید امنیت مناطق سرحدی قبایل پشتون پاکستان محسوب مینمایند (کابل در فاصله کمتر از صد کیلومتری کرم اجنسی پاکستان موقعیت دارد). مقامات نظامی پاکستان گزارش دادند که اوضاع داخلی کشور با سرایت و سرزیر شدن مخالفان مسلح، از سرحدات پاکستان متشنج گردیده و وضعیت امنیتی آن کشور، بیش از هر زمان دیگر به وخامت می‌گراید. چنین یک وضعیتی، بصورت مستقیم اجرای عملیاتها و اقدامات نظامی وسیعی را در دستور کار قوای نظامی پاکستان قرار میدهد.

طی سالهای متمادی، اسلام آباد به مساعدتهایش به طالبان افغان افزوده و در عین زمان به تحکیم مواضع طالبان پاکستانی سعی و تلاش زیادی را بخرج داد که در نتیجه اوضاع امنیتی در داخل پاکستان نیز به وخامت گرایید.

با توجه به واقعیت‌های نوین جیوپولیتیکی منطقه، پاکستان در صدد بررسی روش و عملکردش در قبال طالبان افغانستان می باشد. اگر در سابق (بدلایل موجود)، طالبان را بمثابه ریزرف ستراتیژیک در سرزمین متخاصم میپنداشت، اما پس از خروج بخش اعظم نیروهای نظامی برهبری ایالات متحده از افغانستان، آنها را بمثابه نیروی واقعی بخصوص در مناطق سرحدی پاکستان محسوب مینماید. اسلام آباد درگام نخست، صرف به استقرار نظامی و تقویت مواضع طالبان علاقمندی ندارد. هدف اسلام آباد درارتباط به جنگجویان افغان، شامل ساختن آنها در ترکیب هیأت رهبری سیاسی افغانستان میباشد تا بدینوسیله بعضی از مناطق را در بخشهای مرکزی وجنوبی افغانستان تحت تأثیر و نفوذش قرار دهد. با توجه باین، جنرال راحیل شریف، رئیس ستاد نیروهای زمینی پاکستان به رئیس جمهور اشرف غنی در مورد متقاعد ساختن طالبان به حل و فصل صلح آمیز قضایا و حاضر ساختن آنها برای حضور در میز مذاکره با جانب افغانی، اطمینان داد. همچنان از اسلام آباد خواسته شد تا با تجدید نظر در مواضع قبلی اش از بسیاری از افراد غیر مسوول از جمله از حافظ گل بهادرو جنگجویان حقانی که سالهای متمادی در وزیرستان شمالی پاکستان بود و باش داشتند، فاصله بگیرد.

تغییر قطعی در مناسبات دوکشور به سال ۲۰۱۴ برمی گردد که عده ایی از جنگجویان بتاریخ ۱۶ دسمبر سال متذکره به یکی از مدارس آموزشی نظامی در پشاور حمله نموده و در نتیجه بتعداد ۱۴۰ نفر به خاک و خون کشیده شدند. بیشترین تعداد قربانیان را دانش آموزان جوان تشکیل میدادند. مسوولیت این حمله را طالبان افغان و پاکستانی بعهده گرفتند.

مسوولین بلند پایه امنیتی دو کشور بمنظور هماهنگ ساختن فعالیت‌هایشان در امر مبارزه و از میان برداشتن مخالفان مسلح و تشریک مساعی علیه اعمال تروریستی دهشت افکنان و تبادل اطلاعات امنیتی، باهم دیدارها و ملاقاتهایی داشته و همچنان در پایتختهای هر دوکشور به تقویت اعتماد متقابل تأکید صورت گرفت.

متذکر باید گردید که طی ملاقاتها و گفتگوهایی، مسائل سرحدی مجدداً در دستور کار قرار گرفت. بمنظور حل و فصل مسائل متذکره، طرفین متعهد گردیدند تا: در سرزمین‌هایشان از هر نوع فعالیت و حرکت‌های خصمانه علیه یکدیگر جلوگیری بعمل آورده و تحقق میکانیزم موجود هماهنگی امور امنیتی سرحدات را بدون سهمگیری ایساف انجام دهند، از جمله: آغاز دوباره فعالیت پستهای بازرسی مرزی تورخم و سپین بولدک. فعالیتها شامل عرصه های کنترل و مراقبت از حرکت‌های «تحریک طالبان» و سایر جنگجویان، بررسیهای نزدیک افراد ملکی در پستهای بازرسی هنگام عبور از مناطق سرحدی، از میان برداشتن محلات و مخفیگاههای جنگجویان افغان، پاکستانی و خارجیها (بطور مثال جنبش اسلامی ازبکستان والقاعده) و جلوگیری از تحرکات مهاجران غیرقانونی افغان در سرزمین پاکستان میباشد.

جنرال راحیل شریف رئیس ستاد فرماندهی نیروهای زمینی پاکستان، این مسأله را یاد آور شد که از سرزمین پاکستان هیچگاهی علیه کشور همسایه افغانستان اقدامی صورت نخواهد گرفت، نامبرده همچنان خاطر نشان ساخت که دشمن افغانستان بمثابه دشمن پاکستان محسوب میگردد. چنین تصور میگردد که با این سخنان راحیل شریف، اصل اعتماد متقابل میان طرفین بیش از پیش باید تقویه گردد.

در عین زمان، اسلام آباد کابل را به پناه دادن آنعده افراد پاکستانی که از جانب محاکمات نظامی پاکستان مجرم شناخته شده اند، متهم مینماید. در فهرستی که توسط مسوولان منطقه خیبر پشتونخواه تهیه

گردیده، اسم ملافضل الله نیز به چشم میخورد. چنین فرض می‌گردد که به نامبرده در افغانستان پناه داده شده و پاکستان خواستار استرداد وی بجانب اسلام آباد می‌باشد.

در اواخر سال ۲۰۱۴ - آغاز جنوری سال ۲۰۱۵ مشاوره های دوجانبه در چهار بخش وسعت یافت: همکاریهای سیاسی، همکاری در ساحه امنیتی و مبارزه علیه تروریسم، وسعت مناسبات اقتصادی - تجاری بارتباط همکاریهای منطوقی. کابل، سلسله ای از تقاضاهای اسلام آباد را برآورده ساخت. بصورت مشخص، نیروهای امنیتی افغان، بعضی از مراکز گروهبندی های مسلح را که در نتیجه یورش نیروهای مسلح پاکستانی بسال ۲۰۱۴ به افغانستان فرارنموده و در اجنسی مهمند بفعالیتهای خرابکارانه میپرداختند، مورد ضربات کوبنده ای قرار داد.

با بوجود آمدن و تشکیل اداره جدید دولتی در کابل، اسلام آباد در نخستین گام، در مورد همکاریهای نظامی با افغانستان، دلگرم گردید. حامد کرزی باوجود تقاضاهای مکرر اسلام آباد، از فرستادن نظامیان افغان غرض تعلیمات نظامی به پاکستان امتناع ورزیده بود، اما با تشکیل حکومت وحدت ملی، نخستین گروپ شش نفری از نظامیان افغان غرض تعلیمات نظامی برای آموزش در اکادمی کاکول پاکستان، به آن کشور فرستاده شدند.

قابل تذکار می‌باشد که گرمی مناسبات میان دو کشور، چنانچه دیده شده، بی ثبات می‌باشد. لابی های ضدپاکستانی در پارلمان کشور، موجود می‌باشند. اما بصورت تدریجی مناسبات تجاری - اقتصادی میان دوکشور گسترش یافته اما عوارض گمرکی و ازدیاد کرایه وسایل ترانسپورتی و وسایل ترانزیتی پاکستان باعث گردیده تا صادرکنندگان افغان معمولاً از صدور اموال شان از طریق راههایی که از پاکستان میگذرد، امتناع ورزند.

در این اواخر، محمد اشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان از پاکستان خواسته است تا از پشتیبانی طولانی مدت خود از طالبان افغانستان منصرف شود. نامبرده طی نامه ای به مقامهای ملکی و نظامی پاکستان یادآور شده است که پناهگاههای طالبان در سرزمین پاکستان باید مسدود شود، رئیس جمهور کشور در این نامه به مقامات پاکستانی یک ماه مهلت گذاشته تا گامهای عملی را در امر مبارزه با تروریسم بردارند در غیر آن درب همکاری با پاکستان بسته خواهد شد. پاکستان، کشوری که متهم به حمایت از طالبان افغان است، طالبانیکه در آنکشور لانه های امن داشته و گفته میشود رهبری جنگ را در افغانستان بعهدہ دارند.

در پی این نگرانی ها، رئیس جمهور اشرف غنی طی نامه ایی به نواز شریف نخست وزیر و برخی از مقامات سیاسی و نظامی پاکستان خواسته تا در تأمین ثبات افغانستان گامهای عملی بردارند. هشت خواست در این نامه چنین خلاصه می‌گردد:

۱- صدور یک بیانیه رسمی از سوی رهبری سیاسی پاکستان برای نکوهش عملیاتهای طالبان؛

۲- دستور رهبری نظامی پاکستان برای جلوگیری از فراهم ساختن پناهگاهها به طالبان و عملی شدن این دستور؛

۳- دستور گسترش مبارزه علیه پیکار جویان، خصوصاً علیه شبکه حقانی و بازداشت مسوولان حملات هراس افکنان اخیر در کابل؛

۴- دستوربازداشت خانگی رهبران شورای کویته و شورای پشاور و آغاز پیگرد آنها بعلت تهدید کردن کشور دوست؛

۵ ۵- دستور سپردن تمامی زخمیان جنگها از سوی شفاخانه ها به زندانهای امنیتی برای بازداشت و بررسی بیشتر؛

۶- توافق برای تبادل زندانیانی چون ملا برادر با اعضای تحریک طالبان پاکستان؛

۷- دستور به کارخانه های تولید مواد کیمیایی برای منع فروش مواد انفجاری به گروههای غیرقانونی و هراس افکن؛

۸- ایجاد تفاهمنامه ای که بر بنیاد آن عملیتهای همزمان برای جلوگیری از رفت و آمد اعضای تحریک طالبان پاکستان و تحریک طالبان افغانستان براه انداخته شود.

رئیس جمهور غنی در طول هفت ماه گذشته بمنظور بهبودی مناسبات میان کابل و اسلام آباد تلاش نمود، اما گفته میشود که این تلاشها هنوز با دستاورد چشمگیری همراه نبوده است.